



خطبه ۲۲، لشکرکشی ناکثین،  
واقعه را با این تعبیر که شیطان، حزب  
و طرفداران خویش را بسیج کرده و  
سپاه خود را گرد آورده است، تحلیل  
می‌فرماید.

**۲. این ادبیات در دنیای مدرن**  
اما این ادبیات در تحلیل حوادث  
سیاسی - اجتماعی در دنیای مدرن  
با این استدلال که ذائقه مخاطبان  
آمادگی ندارد تا از شاخه‌های غیبی و پدیده‌های ماورایی  
در تحلیل مسئله استفاده کنیم، غریب مانده است. این  
مسئله، محصول دنیازدگی و سکولار شدن فرهنگی  
است که از تمدن غرب به ما هم سرایت کرده است.  
تقدس‌زدایی و غیبت‌شویی از همه عرصه‌های زندگی  
بشر از رنسانس به این سو در دستور کار این تمدن بوده  
است. این تمدن، عقل را برای بررسی وجود چنین عوامل  
و چنان سلسله طولی ناتوان می‌خواند و دین را که به  
اثبات جزئی و تفصیلی این موجودات ماورایی می‌پردازد،  
متعلق به عصر خرافه می‌داند و آن را از اعتبار و حجیت  
می‌اندازد. اوج این رویکرد را در مکتب تجربه‌گرا و  
پوزیتیویسم «حلقه وین» شاهدیم که آثار آن در علوم  
تجربی و اجتماعی هنوز وجود دارد.

**۳. نزاع دائمی کفر و ایمان**  
مؤمنان با مراجعه به کتب آسمانی به خصوص قرآن  
کریم و با توریق قرآن و روایات معصومین (ع) به خوبی  
به این مطلب و نحوه عمل و دخالت نیروهای شیطانی  
در کار مردم جهان پی می‌برند. روایات قطعی از مواجهه  
مستمر ابلیس با اولیای خدا پرده برمی‌دارد. تعبیری مثل  
«دولت آدم»، «دولت ابلیس» در طول تاریخ تعبیری  
شایع در روایات ماست.  
ماجرای معارضه ابلیس با اولیای خدا به داستان خلقت

## ظهور برای اقامه دین

محسن قنبریان

### ادبیات سکولار و دینی در تحلیل تاریخ

آیا تاکنون به دخالت و نحوه کین‌ورزی و عمل ابلیس و جنودش در کار و بار انسان‌ها اندیشیده‌اید؟ آیا می‌توان در تحلیل وقایع تاریخی تنها به عوامل معلوم مادی و تجربی تکیه کرد؟  
باید دید نحوه تحلیل قرآن و روایات درباره رخدادها چگونه است؟

#### ۱. ادبیات قرآنی و روایی

اگر آیات قرآن یا خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع) را در مقام تحلیل شرایط و پدیده‌های تاریخی مرور کنیم، به خوبی درمی‌یابیم که غیب و جنود باطنی حق و باطل در این تحلیل‌ها حضوری چشمگیر دارند.  
تحلیل جنگ بدر در سوره انفال یک نمونه خوب است:  
«هنگامی که خدا حق و باطل را از یکدیگر مشخص و معلوم ساخت؛ شیطان کارهای مشرکان را در جنگ بدر برایشان آراست و به آنان گفت: امروز با این ساز و برگ نظامی و انبوه نفرات هیچ گروهی از مردم بر شما چیره نمی‌شود و من خود حمایتگر شما هستم»<sup>۱</sup>  
نهج‌البلاغه حضرت امیر (ع) نیز مملو از این تحلیل هاست؛ مثلاً حضرت در



تحلیل نمی‌شود و نزاع‌ها بر سر نفت و آب ... تلقی نمی‌شود؛ بلکه نزاع حقیقی و باطنی و مستمر تاریخ، نزاع کفر و ایمان است و مرکز فرماندهی واحد هر کدام هم، ابلیس و خلیفه خداوند می‌باشد.

### مرحله تأسیس شرایع ۱. تقابل اول ابلیس با خلیفه خدا

خلیفه‌الله با استقرار در زمین مأمور ترویج دو چیز گردید: الف - اعلام و نشر باورهای صحیح، ب - معرفی و انجام رفتارهای صالح. این دو مأموریت در راستای نشر دین و تأسیس شریعت صورت می‌گیرد.

شیطان در مقابل این مأموریت ولی‌الله دو کار انجام داد: الف - وسوسه بازدارنده تا مردم به دنبال این رفتارها و باورها نروند. این مأموریت را با «شایع کردن شبهات» و «افروختن شهوات» انجام داد.

ب - شیطان غیر از برخورد نفی، برخورد اثباتی هم کرد. او در کنار مناسک الهی «تأسیسات ابلیسی» را پدید آورد و فواحشی را که در طبع آدمی نبود، با تمثّل خود در بین ایشان پدید آورد. بر حسب روایات، اولین بت را او تراشید. پس از درگذشت آدم(ع) بین نسل و ذریه او بت قرار داد و صورتی انسان‌نما در بین آنها تبلیغ کرد که این جدّ شما و واجب الاحترام است. بر اثر تبلیغات او در نسل‌های بعد، اطاعت و عبادت بت رایج شد. سپس او نام آدم را هم گم کرد و بت‌های متکثر را پدید آورد.<sup>۳</sup>

قرآن شراب و قمار را «عمل شیطان» معرفی می‌فرماید. روایات، عمل شیطان را «صنع شیطان» تفسیر می‌نمایند، یعنی شراب و قمار ساخت شیطان بوده و اولین بار او چنین چیزی را ابداع کرده است.

در روایات شیعی آمده است که اولین مطربی و نوازندگی را ابلیس، آن هم پس از وفات آدم(ع) برپا نمود و این مسئله بین قابیلیان مقبول افتاد و رواج موسیقی مطرب را موجب شد.<sup>۴</sup>

اولین خلیفه الهی در قرآن برمی‌گردد؛ وقتی خداوند آدم را واسطه بین خود و خلایق قرار داد، ابلیس استکبار ورزید و برای اغوای آدمیان تا «وقت معلوم» (ظهور حضرت حجت(عج)) از سوی خداوند مهلت داده شد و او نیز به زمین هبوط کرد و در کنار خلیفه الهی، دشمنی را شروع نمود. گرچه قرآن، شیطان را دشمن انسان معرفی می‌فرماید، اما واضح است دشمنی اصلی او با خلیفه خدا و انسان کامل است، و بالتبع با سایر انسان‌ها. زیرا انسان‌ها در بدو تولد، حیوان بالفعل و انسان بالقوه‌اند و دشمنی بالفعل با حیوان بالفعل معنا ندارد و الا شیطان باید با هر چارپا و خزنده‌ای هم دشمنی کند. از این رو دشمنی ابلیس با سایر انسان‌ها از این جهت است که نکند انسان‌ها سراغ انسان کامل بروند و به او بپیوندند. پس اصلی‌ترین مخاصمه او با انسان کامل است. اگر انسانی به ابلیس اطمینان دهد که او به دنبال خلیفه خدا نمی‌رود یا نسبت به شیطان احساس بغض و دشمنی ندارد، شیطان او را به دلخواهش کمک می‌کند و به جای فراخوانی به تبعیت از خود، از او تبعیت می‌نماید. چنانچه قرآن درباره «بلعم باعورا» چنین می‌گوید<sup>۵</sup> و چرا چنین نباشد؟ اگر ابن ملجمی به شیطان، قول دشمنی با امام علی(ع) را داد، دیگر نه تنها شیطان برای انجام نماز و تکالیف روز اغوایش نمی‌کند، بلکه خودش نیز زنگ ساعت او می‌شود برای تهجد و ... تا با تکاثر عبادت بی‌روح، او را تقویت کرده، تا در جامعه دینی علیه ولی خدا اقدام کند و به او ضربه بزند.

پس در نگاه دینی، پدیده‌ها صرفاً با رویکرد مادی

یاری کنید».

در چه یاری کنیم؟ پاسخ واضح است: در خارج کردن انسان از ظلمات به سمت نور: «الله ولیّ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات إلی النور».

### مرحله اقامه

#### ۱. مأموریت دوم خلیفه خدا: اقامه دین

خدای متعال در ادامه سیر تحقق تاریخی آرمان خویش، پس از مأموریت تأسیس شریعت و ابلاغ آن، مأموریت بالاتری به انبیای پس از نوح می‌دهد و آن «اقامه دین» است. در سوره شوری می‌فرماید:

«شَرَعَ لَکُم مِّنَ الدِّینِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَّ الَّذِیْ أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَّ وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَّ مُوسَىٰ وَّ عِیْسَىٰ أَنْ أَقِیْمُوا الدِّینَ وَّ لَا تَتَّبِعُوا فِیهِ کِبْرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ؛ خدایوند حقایقی از دین را که به نوح سفارش کرد، همچنین احکام و معارفی را که به تو وحی کردیم و نیز آنچه را به ابراهیم، موسی و عیسی سفارش نمودیم؛ همه را برای شما امت اسلام بیان نمود و جزء شریعت شما قرار داد و شما را به پیروی از آن فراخواند. فرمان خدا این است که تمامی احکام و معارف این آیین را اقامه کنید و در آن اختلاف نیفکنید، به گونه‌ای که بخشی را پذیرفته بخشی را واگذارید. بر مشرکان آنچه آنان را بدان می‌خوانی، گران آمده است».<sup>۵</sup>

اقامه در لغت یعنی آوردن یک چیز با همه لوازم و آثارش. اقامه بالاتر از عمل کردن و به انجام رساندن است. مثلاً درباره نماز دو تعبیر در قرآن است؛ وقتی خطاب به منافقین است، می‌فرماید:

«إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا کَسَالًا؛ وقتی به نماز به پا می‌خیزند؛ با کسالت بلند می‌شوند».

اما درباره مؤمنین فرمود:

«یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ؛ نماز را به پا می‌دارند».

فرق «قاموا» و «اقاموا»، «به پا خاستن خود» و «برپا کردن نماز» است. منافق نمی‌تواند نماز را برپا کند، حداکثر خود را با بی‌حالی بلند می‌کند و نمازی می‌خواند. برپایی نماز لوازم زیادی دارد؛ لوازمی همچون ایمان با توسل، حضور قلب و ... می‌خواهد که منافق ندارد.

اگر بخواهیم حیا و عفاف را اقامه کنیم، بیشتر از تبلیغ و ارشاد، به تشویق و تنبیه نیاز داریم. زمینه‌سازی و گستراندن بساطی که به رعایت عفاف و حجاب بینجامد و آن را تسهیل کند، از شئون اقامه عفاف است. برای نمونه دو معماری قدیمی و مدرن در خانه‌سازی را با هم مقایسه کنید؛ در معماری مدرن کل خانه «اوپن» است و مهمان نامحرم در معرض خانم خانه است. او یا باید در آشپزخانه با چادر باشد که کار آشپزی به سرانجام نمی‌رسد یا باید به اضطرار، این عسر و سختی را رها کند که عفاف زایل می‌شود! در حالی که در معماری قدیم، خانه غیر از دالان جلو، بیرونی و اندرونی و پستو داشت و عملاً زن خانه در دید همگان نبود و رعایت حجاب



دشمنی ابلیس با سایر انسان‌ها از این جهت است که نکند انسان‌ها سراغ انسان کامل بروند و به او بپیوندند. پس اصلی‌ترین مخاصمه او با انسان کامل است. اگر انسانی به ابلیس اطمینان دهد که او به دنبال خلیفه خدا نمی‌رود یا نسبت به شیطان احساس بغض و دشمنی ندارد، شیطان او را به دلخواهش کمک می‌کند

در کتاب شریف «وسائل الشیعه» مرحوم حرّ عاملی روایتی آمده که دلالت می‌کند عمل قوم لوط را نیز ابلیس تأسیس کرده است. قوم لوط از اقوام متأخر، بسیار دورتر از آدم و نوح و معاصر حضرت ابراهیم (ع) بودند. قرآن هم درباره ایشان می‌فرماید: «شما عملی انجام می‌دهید که قبل از شما سابقه نداشته است». اگر این عمل در طبیعت بشر بود، باید مثل زنا از اول اتفاق می‌افتاد. روایت می‌فرماید: «ابلیس خود را به شکل یک پسر بچه جوان با شمایل مؤنث در آورد و به خود دعوت کرد و از این کار لذتی به آنها چشاند که پس از آن مستمرّ گردید». عجیب اینکه روایت تصریح می‌کند قوم لوط، قبل از اینکه شیطان وارد چنین تأسیسی شود، قوم خوب و آراسته‌ای بودند.<sup>۶</sup> اینها نمونه‌ای بود از تأسیسات ابلیسی در کنار مناسک الهی.

#### ۲. حقیقت واجب و حرام: شبکه اتصال

از آنچه گذشت به راحتی می‌توان نتیجه گرفت مناسک الهی، شبکه اتصال با ولی خدا برای سرپرستی انسان و رساندن او به سرای قرب است و فواحش و محرّمات هم شبکه اتصال به ابلیس برای سرپرستی او و خارج کردن انسان از نور به سمت ظلمت و کشاندن او به وادی حیرت می‌باشد. امام صادق (ع) فرمود:

«ما ریشه همه خوبی‌هاییم و هر نیکی از شاخ و برگ ماست ... و دشمن ما ریشه همه بدی‌هاست و هر قبیح و فاحشه‌ای از شاخ و برگ آنهاست».<sup>۷</sup>

امام کاظم (ع) فرمود:

«جمیع آنچه خداوند در قرآن حرام نموده، ظاهر فواحش است و باطن همه آنها ائمه جور است؛ جمیع آنچه حلال نموده، ظاهر خوبی‌ها و باطن همه آنها، ائمه حق‌اند».<sup>۸</sup>

این تلقی شیعی از مناسک و محرّمات است. نماز دست آویخته ولی خدا برای دستگیری ماست، لذا پیامبر (ص) فرمودند: «با سجده طولانی مرا یاری کنید». یا امام علی (ع) فرمودند: «با شدت تقوا و سخت کوشی مرا

## به سوی فردای ظهور

### ۱. ظهور؛ تأویل اقامه دین

قرآن کریم ثمره اقامه دین را با بیانی زیبا تشریح می‌نماید: «اگر آنان تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی و احکامی را که از جانب پروردگارش بر آنان فرو فرستاده شده اقامه می‌کردند، قطعاً از فراز سرشان و زیر پایشان بهره‌ها و نعمت‌های فراوان سرازیر می‌شد.»<sup>۱۱</sup>

این ثمره اقامه دین است، نه عمل به دین. در روایات بسیاری چنین خصوصیتی را برای زمان ظهور ولی مطلق خدا (عج) معرفی کرده‌اند که زمین گنج‌هایش را بیرون می‌ریزد، سبزی و آبادانی فراگیر می‌شود و باران‌های نافع بسیار نازل می‌شود و ...

بهتر است بدانیم این موضوع خرق عادت و معجزه نبوده، از قضا متناسب با قانون تکوین است. وقتی دین اقامه شود، زمین و آسمان نعمت خود را آشکار می‌کند. زیرا در هنگام اقامه دین، مردمان نیز به اطاعت خدا می‌پردازند و سازگاری بین عالم غیر انسانی که همه مطیع خداوند هستند و عالم انسانی رخ می‌دهد. اما در تمدن غیر الهی و طاغوتی، عالم به راه اطاعت می‌رود و زندگی انسانی به راه طغیان. یعنی عالم و آدم بر دو محور می‌گردند، لذا اصطکاک و تنش رخ می‌دهد، فساد در زمین، زلزله‌ها، نابسامانی‌ها نمایان می‌شود. یعنی همان چیزی که درباره آخرالزمان و پایان این تمدن طاغوتی وعده داده شده است: شیوع بیماری‌ها، زلزله‌ها، سیل‌ها و ...

«ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدی الناس»

اساساً پیامبر اکرم (ص) یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های حضرت مهدی (عج) را «اقامه دین» معرفی می‌فرماید. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (ص) درباره امام عصر (عج) روایت می‌کند:

«او در آخرالزمان دین را برپا می‌دارد (اقامه می‌کند) همان‌طور که من در اول زمان اقامه کردم.»<sup>۱۲</sup>



مناسک الهی، شبکه اتصال با ولی خدا برای سرپرستی انسان و رساندن او به سرای قرب است و فواحش و محرّمات هم شبکه اتصال به ابلیس برای سرپرستی او و خارج کردن انسان از نور به سمت ظلمت و کشاندن او به وادی حیرت می‌باشد.

و عفاف بسی آسان‌تر بود. حال اگر بخواهیم عفاف را در ادارات نیز اقامه کنیم، باید به مناسبات دیوان‌سالاری نیز توجه کنیم. اگر می‌خواهیم در شهرها عفاف را اقامه کنیم، نظام‌سازی، شهرسازی و صدها مطلب دیگر را باید مد نظر قرار دهیم.

قرآن کریم از این حقیقت به خوبی پرده بر می‌دارد و بین اقامه نماز با شهرسازی رابطه مستقیم برقرار نموده، می‌فرماید:

«به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر، خانه‌هایی فراهم آورید (زیرا آنان باید چادرنشینی و پراکندگی را رها کنند) و شما و آسان خانه‌هایتان را روبه‌روی هم قرار دهید و نماز به پا دارید.»<sup>۹</sup>

چرا امر به اقامه نماز را به امر به قرار دادن خانه‌ها روبه‌روی هم عطف فرمود؟

چون واقعا اقامه نماز به نحو ساخت خانه‌ها و مهندسی شهری هم ارتباط دارد، ولو این موضوع به اصل نماز خواندن ربطی نداشته باشد. از این‌رو اقامه دین جز با حاکمیت و بنای تمدن ممکن نیست؛ چنانچه در آیه شریفه هم شهرسازی را از هارون و موسی در جهت اقامه نماز می‌خواهد. آیا واقعا این آیات در میان ما مهجور واقع نشده است؟!

آیا ما این نگاه را که در قرآن موج می‌زند و مأموریت دوم خداوند به انبیای پس از نوح است، یافته‌ایم و بار مسئولیت مناسب آن را به دوش کشیده‌ایم؟!

### ۲. مقابله دوم ابلیس: طاغوت سازی

در مقابله با این‌فاز از کار اولیای الهی، شیطان هم مقابله به مثل می‌نماید. «طاغوت» واژه‌ای قرآنی برای این تقابل است. طاغوت سه ویژگی دارد:

الف - افراط در طغیان؛ قرآن هر عصیان و طغیان از فرمان الهی را طاغوت نمی‌خواند. ب - طغیان فراگیر است. طاغوت بودن فقط در اثر عظمت و هیبت طاغی میسر نمی‌شود. طاغوت غیر از طاغی بزرگ، پذیرندگان طغیان نیز می‌خواهد تا روی هم طاغوت را بسازند. ج - طغیان سازمان یافته است. یعنی همه مناسبات زندگی را در برمی‌گیرد. گروهی انسان طاغی و فاسد که دور هم گرد آمده، فساد می‌کنند، فاسدند اما طاغوت نیستند. طاغوت نظام دارد و همه زندگی رعیت خود را زیر شعاع خود می‌برد؛ یعنی در پرتو آن طغیان، نوجوان درس می‌خواند، جوان ازدواج می‌کند، زن رفتار می‌نماید، حقوق، سیاست، علم، صنعت... تعریف می‌شود. حضرت امیر(ع) ویژگی طاغوت را چنین توصیف می‌کنند: «برادری مردم بر بدی‌ها و هجرت عمومی از دین».<sup>۱۰</sup>

حال به تاریخ نگاه کنید. شیطان در مقابل تمام انبیایی که مأمور اقامه دین‌اند، طاغوتی برافراشته است. مقابل ابراهیم، نمرود؛ مقابل موسی، فرعون؛ مقابل عیسی، روم و مقابل محمد(ص)، جاهلیت سفیانی.

هنگام استنباط احکام  
نماز به جهات اقامه  
نماز که به شهرسازی و  
اصلاح مناسبات مربوط  
است، توجه نمی‌شود. یا  
وقتی می‌خواهیم انتظار  
را بشناسانیم از جهات  
استراتژیک آن غفلت  
می‌نماییم.



قرار ندارید» را به معنای نداشتن جایگاه، توانایی و نداشتن مقدمات و آمادگی لازم می‌داند. پس مهم‌ترین وظیفهٔ مسلمین - که به صراحت «انتم الاعلون» قوم توانای خداوند برای این کارند - دربارهٔ این برنامه الهی، این است که به آن جایگاه و قدرت فعلی جهت اقامهٔ دین برسند و البته این در خود ده‌ها دستور جزئی دارد که مجال طرحش نیست. اما از جمله مهم‌ترین و صریح‌ترین آنها «انضباط معرفتی در درک و دریافت از دین» است. آیهٔ سورهٔ شوری صریحاً پس از دستور اقامهٔ دین می‌فرماید: «در دین تفرقه نکنید». این مطلب با «خود متفرق نباشید» تفاوت می‌کند. گرچه وحدت اسلامی ضرورتی است که نبودش صدمه‌های جبران‌ناپذیری دارد، اما متفرق کردن دین با برداشت‌های متجزی و نداشتن دین جامع و نگاه منظومه‌ای به آموزه‌های دینی صدمه‌ای بالاتر است که اقل ضرر آن، این است که حتی اگر دین، رایج و عمل هم بشود، مناسبات دینی اقامه نمی‌گردد! مثلاً هنگام استنباط احکام نماز به جهات اقامهٔ نماز که به شهرسازی و اصلاح مناسبات مربوط است، توجه نمی‌شود. یا وقتی می‌خواهیم انتظار را بشناسانیم از جهات استراتژیک آن غفلت می‌نماییم.

یکی از اسرار «لستم علی شیء» و بودن اهل کتاب برای اقامهٔ دین هم در قرآن به دلیل «نؤمن ببعض و نکفر ببعض»<sup>۱۵</sup> بودن آنها معرفی شده است.

پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود است.

تنها با اقامهٔ دین است که بندگی آسان شده، نفاق و جحود به صعوبت و سختی از این‌رو خصوصیت اصلی دولت کریمهٔ «تعزبها الإسلام و أهله و تذل بها التَّفَاق و أهله»<sup>۱۳</sup> معرفی شده است.

«عزیز» شدن هر چیز، یعنی خدشه‌ناپذیری و خلل‌ناپذیر شدن آن: در مقابل، ذلت ملازم با رخنه‌پذیری است. اقامهٔ دین یعنی بنای مناسبات اجتماعی و ساختارهای متنوع فرهنگی و اقتصادی بر محور تعالیم اسلام. لذا نه دین خدشه‌ای می‌پذیرد که به علت تنگناهای عینی، فرائض آن تعطیل و معارفش متروک شود و نه اهل اسلام برای مسلمانی دچار سختی و صعوبت می‌شوند، بلکه کفر و نفاق به تنگنا می‌افتد.

چگونه است که امروز ارتباطات خارج شده از مدار دین در کانال‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و مهمانی‌ها، پارتی‌ها، خیابان‌ها و فروشگاه‌ها و ... جوان مسلمان را به تنگنا می‌اندازد، به گونه‌ای که حفظ دین برای او مثل شننا در خلاف جهت رودخانه یا به تعبیر روایات، آتش در دست داشتن است؛ در دولت حضرت مهد(عج) فسق و نفاق چنین وضعی می‌گیرد و البته این کاملاً در نتیجه نحوهٔ تمدن و مناسباتی است که امام(ع) بر پا می‌کند.

## ۲. ما و برنامهٔ اقامه دین

اقامهٔ دین چنان‌که گذشت، به مسائل مهمی در حوزه فرهنگ و تمدن وابسته است و انجام آن به عده و عدهٔ خاصی نیاز دارد. قرآن کریم به زیبایی دربارهٔ اهل کتاب از فقدان این توانایی برای اقامهٔ دین سخن می‌گوید:

«بگو ای اهل کتاب شما بر جایگاه استواری قرار ندارید؛ تا [مگر اینکه] بتوانید تورات و انجیل و سایر کتاب‌های آسمانی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما فرستاده شده است بر پا دارید».<sup>۱۴</sup>

علامه طباطبایی «لستم علی شیء»؛ بر جایگاه استواری